

ناصر مکارم شیرازی

ابعاد فعالیت‌های

غیرمجاز اقتصادی

در اسلام

نگاهی به انواع فعالیت‌های دهگانه تولیدی و تجاری زیر که در اسلام ممنوع و حرام است، دقت و وسعت نظر این مکتب را در تنظیم یک برنامه اقتصادی سالم نشان می‌دهد

ممنوع است .

نگاهی به چگونگی « فعالیت‌های مجاز اقتصادی » و فعالیت‌های غیرمجاز در اسلام روشنگر این واقعیت و نیز روشنگر محدودیت‌های فراوانی است که اسلام در این زمینه قائل شده که اثر مستقیم روی جلوگیری از تراکم و تمرکز ثروت دارد .

توجه به ده نوع معاملات عدده حرام که ذیلاً آورده‌ایم بیانگر بسیار روشن از این واقعیت است :

الطریق ، همچنین غیرسلاح از وسائلی که به آنها در انجام مقاصدشان کمک می‌کند .
گرچه فقها معمولاً سلاح را ذکر کرده اند، ولی بعضی از فقهای بزرگ این امر را منحصر به فروختن اسلحه ندانسته و آنرا چنان تعمیم داده‌اند که شامل هر نوع تقویت و کمک مؤثر به اینگونه اشخاص می‌شود. خواه اسلحه باشد یا سایر اسلحه .

۵- هرگونه همکاری و کمک به ستمگران ، به صورت معاون ، کارمند، کارگر ، نویسنده ، کارپرداز ، و مأمور خرید و فروش ، زاننده ، و امثال آنها و بطور کلی « جزء دستگاه و تشکیلات آنان بودن هر چند عمل او مستقیماً ظلم و ستم نباشد روی این جهت نه تنها کسی که از طرف یک دستگاه، ستمگر و جبار مأمور شکنجه و آزار افراد بیگناه می‌گردد ، کار و حقوق او حرام است ، بلکه کسی نویسنده ، مخصوص و وکیل خرج و یا حتی آشپز و طبیب مخصوص او باشد کار او نیز از نظر فقه اسلام ممنوع و حرام و حقوقی که دریافت می‌کند نیز حرام است .

۶- هرگونه تبلیغات مضر و زیان بخش چه زیان جسمی داشته باشد و یا اخلاقی و هرگونه وسائلی که مخصوص این کار است ممنوع است و خرید و فروش آنها حرام است . از اینکه نام کتب ضلال بر آنها گذارده شود، یا نه، اما بهر حال مضر و زیان بخش باشد و تمام کسانی که کارمند اینگونه دستگاهها

۱- خرید و فروش اشیاء مضرة (اعم از اینکه زبان جسمی داشته باشد و یا زبان اخلاقی و اجتماعی) در اسلام ممنوع است ، مانند خرید و فروش مواد مخدر و مخدر ، اشیاء نجس و آلوده و غیره .
که سبب آلودگی جامعه گردد
۲- خرید و فروش آلات حرام مانند آلات قمار ، و همچنین سکه و اسکناس تقلبی و یا کم بها و وارد ساختن آن در بازار ممنوع و حرام است ، تمام وسائلی که انحصاراً در خدمت کارهای نامشروع قرار می‌گیرد هم تولدشان حرام است و هم خرید و فروششان .

۳- خرید و فروش اجناس حلالی که می‌دانیم از آنها در طریق ضرر و زیان جامعه (اعم از ضرر زیان جسمی و اخلاقی) استفاده می‌شود مثل فروختن انگور و سایر میوه‌های مشابه به کارخانه‌های مشروب سازی و اجاره دادن قطار و کشتی و اتومبیل برای نقل و انتقال مواد مخدر ، مشروبات و اشیاء مضر دیگر خواه فروشنده قصد کمک به چنین کارهایی از معامله داشته باشد، اما باندن قطعا از این وسایل مباح در مسیر آلودگی و گناه استفاده می‌شود چنین معامله با اجاره ای حرام و ممنوع است یعنی حکم علم و اراده یکی است)

۴- خرید و فروش اشیائی که باعث تقویت دشمنان خدا و دشمنان خلق خدا می‌شود مانند فروختن اسلحه به چنین افراد حتی فروختن سلاح به دزدان و قطاع

مشکلات اجتماعی و وظایف علمای اسلام

می شوند کارشان حرام و حقوق آنها شیر
مباح است .

با توجه به توسعه وسائل تبلیغاتی در
دنیا و امر و زونش اینگونه فعالیتها در صلاح
ولساد جامعه و کمک به توسعه مناسد ، و با
به عکس کمک به سازندگی جامعه حق این
دستور اسلامی کاملا مشخص می گردد

* * *

۷- هرگونه تقلب و ساختن جنس
تقلبی و خرید و فروش آنها ممنوع است و
کسانی که کارگر و یا کارمند در دستگاههای
باشند که کار آنها تهیه چنین اشیا است
حقوق و درآمد آنها مباح نیست .

* * *

۸- گرفتن اجرت و حقوق در برابر
انجام وظیفه ای که بعنوان یک واجب
بر عهده انسان گذارده شده است ، ممنوع
است ، هیچکس نمی تواند مثلا در برابر
جهاد یا دشمنی و یا امر به معروف و نهی از
منکر و یا قضاوت و یا تعلیم و تربیتی که جنبه
وجوب دارد ، حقوق و اجرت و پاداش بگیرد

چرا که هدی اینها بعنوان یک وظیفه شرعی
بر عهده هر مسلمانی گذارده شده ، و در برابر
انجام وظیفه واجب نمی توان چیزی دریافت
کرد ، و کسانی که در این راه اهتمام و وقت
یا بطور موقت ، خدمت می کنند اگر نسیاز
داشته باشند باید بوسیله بیت المال تأمین
شوند .

همچنین کارمندان و کارگرانی که در

استخدام حکومت اسلامی هستند وظائفی
را بر عهده گرفته اند که برای مردم انجام
می دهند حق گرفتن هیچگونه المام و اجرت
از مردم در برابر انجام این وظائف ندارند و
موظفند این کارها را برای مردم بطور رایگان
انجام دهند مگر در مواردی که حکومت
اسلامی خودش وظیفه ای برای مردم در
مقابل او بگونه خدمات لائیل شده باشد

* * *

۹- گرفتن هرگونه رشوه
تضییع حقوق ، و باطل نمودن حق و سوا
الحق باطل ، ممنوع و حرام است ، حتی
کسانی که دلال این مظلوم بوده باشند کارشان
حرام و پولی و اکه از این رشوه دریافت
می دارند نیز حرام است .

همچنین گرفتن رشوه برای اداای حق
کسی به اینصورت که مثلا از یک رجوع
در فلان اداره برای رسیدن به حق خود یا
تسریع در کارش وجهی می برد آرد همه اینها
حرام و ممنوع است و چنین اموالی به ملک
طرف در نمی آید .

* * *

۱۰- احتکار و ذخیره کردن مواد غذایی
در حالی که مورد نیاز مردم است و به اندازه
کافی در بازار وجود ندارد ممنوع است و
حکومت اسلامی می تواند محضکران را
مجبور بر فروش کند و اگر بخواهند در
تعیین نرخ به مردم اجتناب کنند آنها را وادار

بقیه در صفحه ۳۲

شده است باید نصف دیدیک چشم یعنی ۲۵۰ مثقال شرعی طلا بدهد...

اگر تمام پوست بدن کسی را بکنند هر چند امکان زنده ماندنش کم است، ولی باید دیه کامل پرداخته شود.

و نیز اگر کاری کند که موجب کنده شدن پوست بدن یا سبب ابتلاء بیماری برص و یا باعث سیاه شدن تمام بدن گردد، باید دیه کامل بدهد. ولی برخی از علماء در اینگونه موارد قائل به «ارش و حکومت» شده اند. (۸)

دیه شکستن هر عضو و یا استخوانی طبق نظریه اکثر فقهای پنجم آن عضو است. مثلاً شکستن استخوان دست یا ساقها و... صد مثقال شرعی طلای خالص است ولی اگر طوری شکسته شود که عضو معطل بماند و قابل علاج نباشد دوسوم دیه آن پرداخت می شود.

در باره دنده‌ها، برخی از علماء به ارش و حکومت قائل شده اند ولی برای هر ضلع از دنده‌های سینه بیست و پنج مثقال نیز مقرر داشته اند.

امام صادق (ع) در باره دیه سبلی زدن فرمود، که اگر جای سبلی سیاه شود، شش مثقال و اگر کبود گردد، سه مثقال و اگر فقط سرخ شود یک مثقال و نیم طلا باید دیه بدهد. «قَتْلُ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فِي اللَّطْمِ يَسُوْدُ اَثَرُهَا فِي الْوَجْهِ ، اِنْ اَرَشَهَا سِتَّةٌ دَنَابِرٍ . فَاِنْ لَمْ تَسُوْدْ وَاخْضَرَتْ فَاِنَّ اَرَشَهَا ثَلَاثَةُ دَنَابِرٍ فَاِنْ اَحْمَرَتْ وَلَمْ تَخْضُرْ ، فَاِنَّ اَرَشَهَا دِيْنَارٌ وَ نِصْفٌ.» (۹)

(۸) التشریح الجنائی ج ۲ ص ۲۶۶ - ۲۶۵ و بداية المجتهد

(۹) فروع کالی ج ۷ کتاب دہات

پایه از صفحه ۱۲

بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی فوق در تمام مکتب‌های اقتصادی شرق و غرب مجاز است و هیچگونه تحریمی ندارد، و آن قسمتی را که ممنوع می‌دانند در بسیاری از موارد جیدی نیست ولی در اسلام همه آنها ممنوع و حرام می‌باشد.

در کتب فقهی ما هریک از موارد دوازده گانه فوق بحث‌های جالب و مشروحی دارد، که در این بحث فشرده جای آن نیست.

به تنزل می‌نماید، و در صورتی که خودشان اقدام به اینکار نکنند حکومت اسلامی با در نظر گرفتن مصالح همه اقدام به تعیین نرخ می‌کند. در مورد غیر مواد غذایی اگر نیاز شدید و مبرمی به جنس احتکار شده بوده باشد ادامه احتکار سبب اختلال نظام جامعه اسلامی گردد، حکومت اسلامی می‌تواند همانند مواد غذایی با آن عمل کند.